

سخنی در زندگی.

هرچه یأس بیاورد از توقعات زیادی است ما هر چه امید وارتر باشیم توقعات ما هم کمتر می شود. بودا شاهزاده بود، رها کرد و روشن شد. و بودا یعنی روشن شده. رنج از خواستن است و رنج نبردن هم از نخواستن است اگر اقتناع پیشه کنید خواسته ها خودشان می آیند هر نیازی یک طلبکار است. این استغناست. استغنا یعنی از ریشه نیازها را ارزش گذاری کنیم. خود شناسی یعنی نیاز شناسی قناعت بی نیاز می کند. امید سر چشمه نیاز است و قطع امید هم موجب رنج است

وقتی با خودی بدان معنی است که ذلیلی، بازنده ای اما وقتی بیخودی پهلوانی شجاعی

آن نفسی که با خودی، یار چو خار آیدت – وان نفسی که بیخودی، یار چه کار آیدت ؟

آن نفسی که با خودی، خود تو شکار پشه ای – وان نفسی که بی خودی، پیل شکار آیدت .

وقتی با خودی و هشیاری خود را در گیر می کنی و ذلیل می شوی و شکار پشه می شوی اما وقتی بی خودی و توقعی نیست پیل هم شکار تو می شود .

آن نفسی که با خودی، بسته ابر غصه ای – وان نفسی که بی خودی، مه به کنار آیدت .

با خود بودن و به خود پرداختن غصه می آورد اما در بی خودی ماه به آغوش می آید مولانا ، از خودی و بی خودی بسیار سخن دارد. باخود یعنی پر از خود حتی اگر خود کاذب هم باشد باز همه خود را در بر نمیگیرد ما چندین خود داریم مولانا می گوید که هزاران من و ما دارم .